



کندری بر زندگانی یکی از نامداران مطبوعات خراسان

در بوستان خدمات «گلشن آزادی»



عکسی از گلشن آزادی (نفر دوم از سمت راست)

در منزل محمود فرخ، شهیریار و ابوالقاسم حبیب اللهی سال ۱۳۳۲ خورشیدی

سیدی‌السمش باتاریخ مطبوعات مشهد‌گره خورده‌است؛ بااخبار روزنامه‌های آزادی، فکرآزاد و مهرمنیر. او در دوره قاجار به مشهد می‌آید و تا آخر عمر در همین دیار می‌ماند. در نهایت هم پس از مرگ توی باغ خواجه ربیع دفنش می‌کنند؛ خودش ولی اصلالتا اهل تربت حیدریه است و تا هجده سالگی را در خاک آب‌وآجدادی‌اش گذران روزگار کرده است. این سطرها توصیف «علی‌اکبرخان آزادی»، معروف به «گلشن آزادی» است؛ شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده و از پیش‌گامان مطبوعات در خراسان.

- روزگار و کودکی «گلشن آزادی»

محمدخان آزادی یزدی‌الاصل بود و پیشه‌اش تجارت؛ ولی وقتی پسرش، علی‌اکبرخان، در آخرین روز از مرداد سال ۱۲۸۰ خورشیدی چشم روی جهان باز می‌کند، تصمیم می‌گیرد او را مرد علم و قلم بار بیاورد. برای همین هم به سنت آن دوران، پسرش را به مکتب خانه نمی‌فرستد تا پس از دوره کردن عم جزء و خواندن بوستان و گلستان سواد خواندن یاد بگیرد و برود دنبال سرنوشتش. محمدخان پسرش را به مدارس نوین آن روزگار می‌فرستد تا با علوم روز دنیا آشنا شود. اقبال اما با محمدخان بار نیست تا به ثمر نشستن نهال زندگی پسرش را ببیند و علی‌اکبر توی هفت‌سالگی یتیم می‌شود؛ اتفاقی که ادامه‌تحصیل را برای او غیرممکن می‌کند.پس به کار کردن در بازار روی می‌آورد و نان آور خانه می‌شود. چهارده‌ساله است که می‌فهمد طبع موزونی دارد و شعر را می‌فهمد. از این به بعد در کنار کار، شاعری پیش می‌گیرد و در ادامه هم ادبیات و فنون شعر فارسی را در حشر و نشر با احمد سهیلی و احمد بهمنیار می‌آموزد.

- آغاز دوران روزنامه‌نگاری «گلشن آزادی»

سال ۱۲۹۸ خورشیدی وقتی جوانی هجده‌ساله است به مشهد می‌آید. این آمدن می‌شود آغاز دوران روزنامه‌نگاری‌اش؛ او در مشهد مدیریت روزنامه داخلی «مهر منیر» را برعهده گرفت. علاوه بر روزنامه مهرمنیر، سردبیری روزنامه «شرق ایران» نیز به گلشن آزادی سپرده شد. در ۱۳۰۱ خورشیدی هم روزنامه «فکر آزاد» را که صاحب امتیازش احمد بهمنیارگرمانی بود، بنیان نهاد؛ بااین همه، اوج فعالیت او پایه‌گذاری روزنامه آزادی است. جریده‌ای که پنجاه سال تمام در فرازونشیب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران دوام آورد و منتشر شد و تنها مرگ گلشن آزادی در ۲۹ تیر۱۲۵۳ توانست از انتشار آن جلوگیری کند.انگار بامرگ مدیرمسئول، روزنامه هم مرد.علی‌اکبرخان آزادی در ادامه همچنین عضو سندیکای مطبوعات خراسان شد و در سال ۱۳۲۱ توانست از میان پانزده نفر نماینده ریاست این سندیکا، رأی نخستین را به دست آورد و بر مسند ارشد مطبوعات خراسان تکیه بزند. ناگفته نماند هدف این سندیکا، تأمین و حفظ حقوق روزنامه‌نگاران و جلوگیری از بروز فساد بود. این اهداف با جزئیات فراوان در اساس‌نامه این سندیکا آمده بود و گلشن آزادی توانست در جریان اجرای آن سبب تحولات بسیاری نیز بشود؛ تحولاتی که رونق بیشتر مطبوعات در خراسان را رقم زد.

البته دامنه فعالیت‌های گلشن آزادی به اینجا ختم نشد و او در امور خیریه هم ید طولایی داشت. عضو هیئت‌مدیره شبرو خورشید سرخ مشهد بود. عضویت شورای عالی فرهنگ خراسان را بر عهده داشت و برای مدتی حتی در انجمن آثار ملی هم کار کرده بود.

- درباره جریده «آزادی»



مرحوم محمدصدر هاشمی در کتاب «تاریخ جراید و مجلات ایران» می‌نویسد که روزنامه آزادی به مدیریت علی‌اکبرخان گلشن آزادی در مشهد چاپ می‌شده است؛ آن هم به تاریخ شهریور سال ۱۲۹۴ خورشیدی؛ «امتیاز روزنامه مذکور در تاریخ ۶ خرداد۱۲۹۴ از تصویب شورای عالی فرهنگ گذ شته و بنا براین به فاصله چندماه پس از تصویب امتیاز،منتشر شده‌است. در عنوان روزنامه آزادی، «یومیه» قید شده ولی پس از یک هفته، سه شماره ازآن [بیشتر]نشر نگردیده[است]؛ محل طبع آن هم مطبعه گلشن

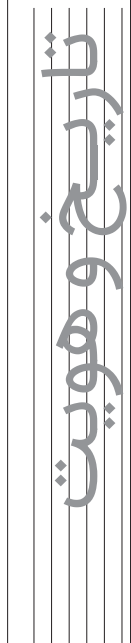
آزادی است. وجه اشتراک روزنامه در ابتدا، سالیانه پنجاه ریال بعد از مدتی سالیانه هفتاد و شتن ماهه ۳۵ریال و برای طبقه سوم و معارفیون سالیانه شصت ریال است. جای اداره هم مشهد کوجه عدلیه [بوده است.] مندرجات روزنامه آزادی عبارت از اخبار داخلی و خارجی و مقالات گوناگون و اعلانات مربوط به اداره ثبت اسناد و غیره می‌باشد و بعضی از شماره‌های آن در چهار صفحه به قطع بزرگ است. آزادی تا سال ۱۳۱۷ خورشیدی هفته سه بار طبع و هرنوبت ششصد نسخه از آن منتشر می‌شده و عده کارمندان آن هم چهار نفر بوده است.»

جالب است بدانید مندرجات روزنامه آزادی شامل اخبار داخلی و خارجی و اخبار ایالت خراسان، اعلان‌های ثبت و مقالات مختلف بود و از معدود روزنامه‌هایی به‌شمار می‌آمد که پس از تغییر حکومت در سال ۱۳۰۴ به انتشار خود ادامه داد و ۴۹ سال کامل و به‌صورت مدام منتشر شد تا اینکه پس از انتشار شماره۴۱۷۷ در خرداد۱۳۵۳ و با درگذشت «علی‌اکبر گلشن»، در ۲۹ تیر همین سال امتیاز روزنامه لغو و انتشار آن متوقف شد.

- «گلشن آزادی» و دنیای شعر

گلشن آزادی نه تنها یک روزنامه‌نگار که نام‌آشنایی در جمع شاعران خراسان هم بود. دیوان اشعارش شامل ۵هزار بیت است که در سال ۱۳۳۲ خورشیدی چاپ شده است، علاوه براین، «داستان‌ها از باستان‌ها» دیگر اثر اوست که مربوط به قسمتی از خاطرات سیاسی گلشن آزادی است ولی شاید مهم‌ترین اثر او، کتاب ارزشمند «صدسال شعر خراسان» باشد که به اهتمام استاد کمال در سال ۱۳۷۳ چاپ شده است. گلشن آزادی همچنین کتابی با عنوان «در تهران چه دیدم و چه شنیدم» دارد که سفرنامه یکی از سفرهای گلشن آزادی به تهران در سال ۱۳۴۱ است. او اغلب این آثار را به‌صورت ستون ثابت در جریده آزادی چاپ می‌کرده است که بعدها تبدیل به کتاب شده‌اند.

پس از درگذشتش، دو روزنامه باسابقه و قدیمی آن روز مشهد (افتاب شرق و خراسان) در پیام‌هایی درگذشت گلشن آزادی را ضایعه و فقدانی برای جامعه مطبوعاتی اعلام کردند. استاد شهیریار، دکتر قاسم‌رسا، محمدتقی فتوت، محمدحسن نقیب یزدی، هادی‌ارفع‌کرمانشاهی هم در ثنای او غزلیاتی سروده‌اند که در کتابی به نام «به یاد گلشن آزادی»، اثر محمود فرخ، چاپ شده است.



سیل و طوفان صدها خانه را ویران کرد، کمر صدها اصله درخت را شکست و سبب شیوع بیماری‌های فراوانی در شهر شد

تابستان بلاخیز سال ۶۱



برخی مناطق تندتر بود، شتاب سیلاب نیز افزایش یافت و در نزدیکی ایستگاه راه‌آهن درخت، جان باختند و سه نفر دیگر به دلیل قطع کابل‌های برق در معابر شهری و برخورد با آن، کشته شدند. بااین حال، تندبادهای شدید روز نخست خردادماه، فقط مقدمه حوادث وحشتناک روز بعد بود.

شمال مشهد در محاصره سیل

روز دوم خردادماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی، درحالی‌که مردم مشهد هنوز در شوک ناشی از تندباد روز قبل بودند، در ساعات اولیه صبح، بارش شدید باران آغاز شد. به دلیل شدت بارندگی، خیلی زود سیلاب سراسر شهر را فرا گرفت و از سمت جنوب غربی به شمال شرقی جاری شد و چون شیب

و زیبایی یکی از زیباترین معابر شهری ایران محسوب می‌شد – بر اثر اصابت تنه سنگین درخت، جان باختند و سه نفر دیگر به دلیل قطع کابل‌های برق در معابر شهری و برخورد با آن، کشته شدند. بااین حال، تندبادهای شدید روز نخست خردادماه، فقط مقدمه حوادث وحشتناک روز بعد بود.

هجوم طوفان به مشهد

نخستین روز خردادماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی برای مردم مشهد یک روز سخت و تا حدود زیادی ترسناک بود، رعدوبرق‌های شدید و تندبادهای مخرب، ناگاه در ساعاتی پس از ظهر، اقلیم مشهد را دگرگون کرد. در ابتدا شاید خیلی از مردم آن را جدی نگرفتند ولی وقتی صدای مهیب افتادن پیایی درخت‌ها در برخی از معابر شهر به‌گوش رسید، وضعیت تغییر کرد. در کمتر از یک ساعت، بیش از صد اصله درخت –عموما درختان سپیدار– نتوانستند در برابر تندباد مقاومت کنند و بر زمین افتادند، البته این فروافتادن‌ها فقط آسیب مالی به بار نیامورد؛ روزنامه‌خراسان دوم خردادماه۱۳۶۱ خورشیدی گزارش داده است که دو نفر در بولوار ملک‌آباد مشهد –که در آن روزگار به‌دلیل درختان بلند

«التیمور»، بی‌دفاع در برابر طوفان

بحرانی توصیف می‌کند. او در گفت‌وگو با «خرسندی» و «شیرزاد»، دوتن از نمایندگان شورای محله در التیمور، متوجه می‌شود که بیش از صد خانه در هجوم سیل به‌کلی ویران شده‌اند و تعدادی از اهالی نیز همچنان ناپدید هستند و نشانی از آن‌ها در دست نیست. تعدادی هم جان خود را از دست داده‌اند. خانه‌های تخریب شده عموماً بدون مجوز و در نقاط ناامن ساخته شده بودند. افزون بر این‌ها تقریباً همه خانه‌های التیمور دچار آب‌گرفتگی و وسایل زندگی مردم روی آب شناور شده بود.

گفت‌وگوی تفصیلی با نمایندگان شورای محله التیمور نشان داد که آن‌ها از مدت‌ها قبل به دنبال ایجاد ایمن‌سازی در منطقه

بوده‌اند. خرسندی اذعان می‌کرد که برای مهار این مشکل که ظاهراً گاه‌وبیگاه دامن اهالی را می‌گیرد، به سراغ شهرداری مشهد رفته. اما نتیجه‌ای نگرفته است. التیمور در آن زمان هنوز بخشی از شهر مشهد محسوب نمی‌شد و شهرداری قانوناً مسئولیتی در قبال شرایط حاکم بر آن نداشت؛ بااین حال، برخی

خرسندی به موضوع نیمه‌تمام گذاشتن پروژه پوشاندن کانال هم اشاره کرده و گفته بود، «مستولان در شهرداری فاضلاب شهر را به این



نمایی از کانال التیمور در دهه۸۰ قرن ۱۴ خورشیدی